

Identifying the Future of Management Jobs in Iran; Using Scenario Planning

Gholamreza Jandaghi¹, Mohammad Reza Fathi^{2*}, Mohammad Farid Biti³

1. Professor, Department of Public Management, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

2. Assistant Professor, Department of Industrial Management, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

3. M.Sc. Student in Commercial Management, Islamic Azad University, Tehran Branch, Tehran, Iran

(Received: March 11, 2018; Accepted: May 5, 2018)

Abstract

Service and information sectors in today's world play a very important role in the economic and economic prosperity of advanced countries. Management jobs are among the skills that play an important role in this area. The main purpose of the present research is to identify the Plausible and probable future of managerial occupations in Iran with the approach of scenario planning. For this reason, appropriate indicators were extracted from the background and interviews of expert. After screening these factors by examining the test, the most important key drivers were identified using critical uncertainty techniques and DEMATEL's decision-making technique. Two drivers of access to international markets and educational policies of the Ministry of Science were selected as the ultimate uncertainties for compiling plausible scenarios. These scenarios are the scenario of the Paradise, the growth in isolation, the mad world, and the scenario of hell. Finally, using the TOPSIS technique, which is a distance decision technique, Hell's scenario was selected as the most likely scenario.

Keywords: Future Studies, Management Jobs, Scenario Planning, Plausible Scenarios.

* Corresponding Author, Email: Reza.fathi@ut.ac.ir

شناسایی آینده‌های مشاغل مدیریتی در ایران با روش سناریونویسی

غلامرضا جندقی^۱، محمدرضا فتاحی^{۲*}، محمدرزید بی‌تا^۳

۱. استاد، گروه مدیریت دولتی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

۲. استادیار، گروه مدیریت صنعتی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی‌ارشد مدیریت بازرگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران‌مرکز، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۵)

چکیده

بخش‌های خدماتی و اطلاعاتی در دنیای امروز نقشی بسیار مهم در شکوفایی اقتصادی و اقتصاد کشورهای پیشرفته دارند. مشاغل مدیریتی جزء مهارت‌هایی هستند که در این حوزه نقش مهمی دارند. هدف اصلی تحقیق حاضر شناسایی آینده‌های باورپذیر و محتمل مشاغل مدیریتی در ایران با رویکرد سناریونویسی است. به همین دلیل، ابتدا از طریق مرور پیشینه و مصاحبه با خبرگان، شاخص‌های مناسب استخراج شد. پس از غربال این عوامل با آزمون بینم، با به‌کارگیری تکنیک‌های عدم قطعیت بحرانی و تکنیک تصمیم‌گیری دیمتل، مهم‌ترین پیشران‌های کلیدی شناسایی شدند. دو پیشران دسترسی به بازارهای بین‌المللی و سیاست‌های آموزشی وزارت علوم به عنوان عدم قطعیت‌های نهایی برای تدوین سناریوهای باورپذیر انتخاب شدند. این سناریوها عبارت‌اند از سناریوی بهشت برین، رشد در انزوا، دنیای خفتگان و سناریوی جهنم. در نهایت، با استفاده از تکنیک تاپسیس که تکنیک تصمیم‌گیری فاصله‌ای است، سناریوی جهنم به عنوان محتمل‌ترین سناریو انتخاب شد.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، سناریونویسی، سناریوهای باورپذیر، مشاغل مدیریتی.

مقدمه

در دورانی که تغییرات و آشوب‌های زیادی وجود دارد، یکی از مهم‌ترین مهارت‌های مدیریتی آینده‌نگری است. زندگی امروزی با گذشته بسیار متفاوت است، در این دنیای پر از تغییر، دیگر سنت‌های قدیمی، آینده را شکل نمی‌دهند؛ بلکه افراد خود، باید آینده را خلق کنند تا بتوانند خود، سازمان و جامعه را در برابر تغییرات جهانی آماده کنند (مظفری، ۱۳۸۸). یکی از معضلات مشکلات فعلی اقتصاد کشور، اشتغال جوانان به‌ویژه جوانان تحصیل‌کرده است. با آنکه دانشگاه‌های زیادی در سطح کشور فعالیت می‌کنند، بسیاری از فارغ‌التحصیلان فاقد مهارت کافی برای ورود به بازار کار می‌باشند. شاید علت اصلی بیگانگی مهارت‌های مورد نیاز بازار کار با سرفصل‌های آموزشی رشته‌های دانشگاهی باشد. لازمه موفقیت در این حوزه شناخت درست آینده کار و روابط کار است. با شناخت درست از آینده می‌توان سیاست‌های آموزشی، کاری و فناورانه درستی اتخاذ کرد. یعنی امکانات مختلف را با توجه به الزامات آینده بسیج کرد. آینده‌پژوهی کار، اتفاقات و رویدادهای هر وضعیت را شفاف خواهد ساخت. هدف از آینده‌پژوهی کشف، ایجاد و آزمون منظم آینده‌های باورپذیر، محتمل و مطلوب است که تصمیم‌ها را بهبود می‌بخشد. آینده‌پژوهی به تحلیل این موضوع می‌پردازد که این شرایط چگونه نتایج اجرای سیاست‌ها و اقدامات را تغییر می‌دهد. کسب‌وکارها از آینده‌پژوهی برای افزایش شناخت و درک بازارهای آینده استفاده می‌کنند. رهبران اجتماعی از آن در جهت درک بازارهای آینده، توسعه و آزمون دیدگاه‌های مطلوب و محتمل از آینده بهره می‌برند (فاتح راد و همکاران، ۱۳۹۲). هر آینده مجموعه‌ای از محدودیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات را نشان خواهد داد که مجموعه ذی‌نفعان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طریق شناسایی فرصت‌ها و تهدیدات آتی، تصمیم‌گیران می‌توانند برنامه‌ریزی مناسب و کارآمدی برای مقابله با آن داشته باشند. همچنین، نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، پیوند نزدیک و تنگاتنگ برنامه‌ریزی راهبردی و آینده‌پژوهی است. هر آینده برنامه راهبردی خاص خود را می‌طلبد. چیزی که در متون نظری برنامه‌ریزی راهبردی به برنامه‌های جایگزین و انعطاف‌پذیر مشهور است. یعنی به‌جای تدارک یک برنامه راهبردی برای آینده، چندین برنامه برای آن تهیه کرد.

طبیعی است باید سرمایه‌گذاری بیشتری روی آینده محتمل‌تر انجام داد. در پژوهش حاضر آینده‌پژوهی کار با تأکید بر مشاغل مدیریتی انجام خواهد شد. هر آینده مجموعه‌ای از وقایع و رویدادهاست که وضعیت کاری، محیط کاری، روندها در رشته‌های مدیریتی را به‌خوبی نشان می‌دهد. پس از شناسایی هر یک از این سناریوها، سناریوی محتمل با به‌کارگیری تکنیک‌های تصمیم‌گیری مشخص خواهد شد.

مبانی نظری

آینده‌پژوهی یک ظرفیت بشری عام است که فرد را قادر می‌کند تا درباره آینده بیندیشد و احتمالات آینده را بررسی، مدل‌سازی و خلق کند و در مقابلش نشان دهد. این توانایی بر پایه توانایی‌های نظام ذهنی-عصبی مغز انسان بنا شده است که از پیوندهای رشته‌های عصبی به منظور انجام دادن روش‌های پیچیده ادراک که کارکرد تسهیل‌کننده و حمایت‌کننده دارند بهره می‌برد (Slaughter, 2014). ابزار مهم آینده‌پژوهی، سناریونویسی است. سناریوها، حوادث، رویدادها و چالش‌های آینده را در قالب داستان توصیف می‌کنند. سناریوها برای توصیف آینده‌های باورپذیر و محتمل نگاشته می‌شوند. آینده‌های باورکردنی شامل آن دسته از موقعیت‌هایی است که می‌تواند در آینده تحقق یابد. به عبارت دیگر، آن دسته از آینده‌هایی که براساس دانش فعلی بشر امکان‌پذیر است، در این دسته قرار می‌گیرد. آینده‌های محتمل به آن دسته از آینده‌هایی اشاره دارد که احتمال تحقق آن‌ها نسبت به آینده‌های دیگر بیشتر است. به عنوان نمونه ادامه روندهای فعلی از جمله آینده‌هایی است که به احتمال زیاد اتفاق می‌افتد. در ادامه، برخی تحقیقات انجام‌گرفته در حوزه آینده و آینده‌پژوهی بیان می‌شود. ملکی و فتحی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «آینده‌نگاری مدل‌های تصمیم‌کسب‌وکار با به‌کارگیری رویکرد سناریونویسی» به ارائه سناریوهایی برای آینده مدل‌های تصمیم‌پرداختند. نویسندگان مقاله از طریق مصاحبه با خبرگان داخلی و خارجی تحقیق در عملیات و علم تصمیم، عدم قطعیت‌های تأثیرگذار در آینده مدل‌های تصمیم را شناسایی کردند و در نهایت، چهار سناریوی منظومه شمسی، ساتراپ‌های رقیب، چشم اسفندیار و سیمرغ

افسانه‌ای را ارائه دادند. البته آن‌ها نتیجه گرفتند تصور یک آینده واحد برای این مدل‌ها در همه نقاط جهان تصویری نادرست است و بسته به شرایط، متفاوت است (ملکی و فتیحی، ۱۳۹۵، ص ۳۳). حسن‌نژاد و ملکی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی سناریوهای باورپذیر صنعت نساجی»، با در نظر گرفتن دو عدم قطعیت قدرت خرید مردم و سیاست آزادسازی تجاری، چهار سناریوی نساجی خندان، امید به رشد، گورستان چندطبقه، و روزنه حیات را برای آینده صنعت نساجی در نظر گرفتند. روش‌شناسی محققان برای تدوین سناریوها، رویکرد عدم قطعیت بحرانی، و ابزار جمع‌آوری اطلاعات تحقیق، مصاحبه با خبرگان صنعت نساجی و پرسشنامه‌های عدم قطعیت بود (حسن‌نژاد و ملکی، ۱۳۹۴، ص ۵۳). ناظمی (۱۳۹۲) با انتشار مقاله‌ای با نام بررسی سیاست‌گذاری عمومی برای آینده جمعیت ایران سعی کرد تا با سناری‌پردازی در مورد عمل یا بی عملی دولت در قبال روند پیری جمعیت، فشارها، مشوق‌ها، امکانات و محدودیت‌های هریک از خط‌مشی‌های ممکن را بررسی، و برای اجرای اثربخش آن سیاست، ابزارهای مناسب معرفی شود. در سناریوی اول، به پذیرش روند پیری جمعیت و عدم اجرای سیاست افزایش جمعیت برای مقابله با پیری آن پرداخته می‌شود، و در سناریوی دوم به بررسی سیاست افزایش زاد و ولد برای مقابله با پیری قریب‌الوقوع جمعیت پرداخته می‌شود (ناظمی، ۱۳۹۲). یوسفی و کلیوند عبداللهی (۱۳۹۲) مقاله‌ای با عنوان «دورنمای صنعت خودروی ایران در گذر چالش‌های جهانی (آینده‌نگاری با رویکرد سناریوپردازی)»، با توجه به دو عدم قطعیت رقابت‌پذیری و تحریم، و با رویکرد سناریوپردازی به آینده‌نگاری برای صنعت خودروی ایران پرداخته‌اند. در پژوهش آنان تلاش شد آینده‌های محتمل برای صنعت خودروی ایران در گذار چالش‌های بین‌المللی ترسیم شود. با توجه به سناریوهای تدوین‌شده، بهترین شرایط برای این صنعت در سناریوی فصل شکوفایی متصور شده است. اما اگر با بدبینی به آینده بنگریم و بدترین حالت یعنی نسل رو به افول را برای خودروی ایران در نظر بگیریم، باید اقدامات فوری انجام داد تا به وجهی، از افول این صنعت جلوگیری شود (یوسفی و کلیوند عبداللهی، ۱۳۹۲). محی‌الدین عمر و احمد موسی در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت آب در مصر برای مقابله با مشکلات آینده در سال ۲۰۱۶»، با هدف بررسی سناریوهای مختلف در

سال ۲۰۲۵، با به‌کارگیری مدل ارزیابی و برنامه‌ریزی آب از طریق ابزارهای مختلف، مقدار مورد نیاز آب را اندازه‌گیری کردند. یافته‌های آنان نشان داد در صورت اجرای سیاست‌های فعلی، مقدار آب که برابر با ۱۳/۵ میلیارد متر مکعب در سال است، در سال ۲۰۲۵ به رقم ۲۶ متر مکعب در سال می‌رسد (Omar & Moussa, 2016). مسعود و تاکیوچی (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «آثار تغییرات آب‌وهوایی بر روی مدیریت منابع آبی آینده در حوزه رودخانه مگنا»، سناریوهایی را برای سه دوره زمانی دوره پایه (۲۰۰۳-۱۹۷۹)، آینده نزدیک (۲۰۳۹-۲۰۱۵) و آینده دور (۲۰۹۹-۲۰۷۵) ارائه کردند. نتایج نشان داد در هر دو دوره آینده نزدیک و آینده دور الف) حداکثر میزان بارش سالانه افزایش یافته است و ب) میزان خروجی حوضه رودخانه در ماه‌های مرطوب (می و ژانویه) افزایش یافته است. آن‌ها از طریق این تحقیق توانستند یک آینده ممکن برای مدیریت منابع آبی تحت شرایط متغیر آب و هوایی ارائه دهند (Masood & Takeuchi, 2016). استون و ددریک (۲۰۱۵)، در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌ها و موقعیت‌های تأثیرگذار بر آینده منابع انسانی»، چالش‌ها و موقعیت‌هایی که بر آینده منابع انسانی تأثیر می‌گذارند، شامل تحولات اقتصادی، جهانی‌سازی، تنوع داخلی کشورها و فناوری را بررسی کردند. آن‌ها همچنین، مجموعه‌ای از مقالات مختلف را در این زمینه بررسی و نظرات مختلف را مقایسه کردند (Stone & Deadrick, 2015). سوفیا وای سوکینسکا (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان «آینده صنایع نساجی لهستان (تحقیقات انجام گرفته با روش دلفی)» آینده صنعت نساجی لهستان را بررسی کرد. به زعم محقق، با توجه به نتایج رتبه‌بندی بین‌المللی، لهستان در حال حاضر از منظر شاخص موقعیت رقابتی در رتبه ۹۱ جهان قرار دارد و از ۲۹ کشور عضو اتحادیه اروپا در رتبه ۲۳ قرار دارد. تغییر این وضعیت نیاز به رشد نوآوری دارد که این را می‌توان تنها با افزایش بودجه برای تحقیق و توسعه و استفاده از فناوری‌های تجاری‌سازی پیشرفته ایجاد کرد. برادفیلدا و ال-سایدب (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان «چهار سناریو برای آینده صنعت داروسازی»، چالش‌های پیش روی صنعت داروسازی بررسی کردند و در پایان، چهار سناریو برای آینده صنعت داروسازی را ارائه کردند. از منظر این صاحب‌نظران، شرکت‌های داروسازی با چندین چالش مرتبط روبه‌رو هستند که مهم‌ترین آن‌ها کاهش بهره‌وری تحقیق و

توسعه ناشی از خطوط تولید خالی برای جایگزینی محصولاتی است که تاریخ انقضای پنت آن‌ها نزدیک است. آن‌ها بیان می‌کنند که یک عکس‌العمل رایج، ادغام و مالکیت رقبا و شرکت‌های بیوتکنولوژی است، اما این کار به جای حل مشکلات، چالش‌ها و مشکلات جدیدی ایجاد می‌کند. مطالعه تحقیقات آینده‌پژوهی نشان می‌دهد در حوزه‌های مختلفی مانند نساجی، داروسازی، خودروسازی، جمعیت و فناوری‌های پیشرفته تحلیل آینده صورت گرفته ولی در زمینه مشاغل مدیریتی یک شکاف در پیشینه مشاهده می‌شود.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر از منظر فلسفه، تفسیری، از بعد جهت‌گیری، کاربردی و از نظر روش‌شناسی چندگانه است. در پژوهش حاضر روش‌های کیفی مانند عدم قطعیت بحرانی، دیمتل و تاپسیس برای بررسی مسئله به کار گرفته شد که همگی به پارادایم تفسیری تعلق دارند. همچنین، از آنجا که همه این روش‌ها کیفی هستند و به یک پارادایم تعلق دارند، بنابراین، روش‌شناسی پژوهش حاضر چندگانه است. هدف تحقیق، تدوین سناریوهای باورپذیر و محتمل مشاغل مدیریتی در بازار کار ایران است. بدین منظور، در ابتدا از طریق مرور پیشینه و مصاحبه با خبرگان، پیشران‌های کلیدی تاثیرگذار روی مشاغل مدیریتی در بازار کار ایران احصا شد. سپس، این پیشران‌ها با به‌کارگیری آزمون ناپارامتریک بینم غربال شدند تا مهم‌ترین عوامل انتخاب شوند. بعد از حذف عوامل غیرکلیدی، با به‌کارگیری تکنیک عدم قطعیت بحرانی و دیمتل^۱، پیشران‌های نهایی برای تدوین سناریوهای باورپذیر انتخاب شدند. سناریوهای باورپذیر بخشی از سناریوهای ممکن هستند که از نظر دانش فعلی بشر منطقی و عقلانی به نظر می‌رسند. در نهایت، وقتی این سناریوها تدوین شدند با به‌کارگیری تکنیک تاپسیس^۲ محتمل‌ترین سناریو از نظر وقوع انتخاب شد. در ادامه، هر یک از روش‌های مورد استفاده تحقیق به صورت مختصر توصیف می‌شوند. روش عدم قطعیت

1. Dematel

2. Topsis

بحرانی یکی از متداول‌ترین روش‌ها برای تدوین سناریو است. در این روش، عوامل کلیدی با توجه به سه شاخص درجه تخصص، شدت اهمیت و اجماع مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. هر چه درجه تخصص خبرگان در حوزه مربوط به عدم قطعیت مورد نظر بیشتر، اهمیت عدم قطعیت در شکل‌دهی به آینده موضوع مورد نظر مهم‌تر، و در نهایت، اجماع و توافق روی آن عدم قطعیت کمتر باشد، آن پیشران یا عدم قطعیت برای تدوین سناریوهای باورپذیر اولویت بیشتری دارد. پس از تعیین پیشران‌های کلیدی، با توجه به شاخص‌های سه‌گانه سناریوهای باورپذیر با توجه به نظرات خبرگان توصیف می‌شوند (Schwartz, 1996). برای اعتبارسنجی بیشتر نتایج ارزیابی عدم قطعیت‌های تحقیق تکنیک دیمتل هم برای ارزیابی پیشران‌های یا عدم قطعیت‌های تحقیق به‌کار گرفته شد.

دیمتل تکنیکی است که جهت و شدت روابط مستقیم و غیرمستقیم میان عناصر موجود در یک سیستم پیچیده را به وسیله محاسبات ماتریسی و تئوری‌های مرتبط ریاضی شناسایی می‌کند. این روش که براساس تئوری گراف‌ها می‌باشد، ما را قادر می‌کند، مسائل را به صورت بصری برنامه‌ریزی و حل کرد. به این صورت که برای فهم بهتر روابط علی و ترسیم شبکه ارتباطات، معیارها را در گروه‌های علت و معلول قرار داده و ارتباطات میان آن‌ها را به یک مدل ساختاری بصری تبدیل می‌کند. به‌طور کلی، نمودارهای جهت‌دار (دیگراف‌ها)^۱ به دلیل اینکه جهت ارتباطات و تأثیرات اجزای یک سیستم را نشان می‌دهند، مفیدتر از نمودارهای بدون جهت (گراف‌ها) هستند. تکنیک دیمتل عناصر موجود در یک سیستم را براساس دیگراف‌ها به دو گروه علت و معلول تقسیم می‌کند و روابط میان آن‌ها را در قالب یک مدل بصری ترسیم می‌کند (Sumrit & Anuntavoranich, 2013). هر یک از تکنیک‌های عدم قطعیت بحرانی، دیمتل پرسشنامه‌های استاندارد مربوط به خود را دارند، بنابراین، روایی و پایایی تحقیق تضمین است.

یافته‌ها

استخراج پیشران‌های نهایی

در این بخش عوامل تأثیرگذار بر آینده مشاغل مدیریتی از متون نظری تحقیق و مصاحبه با خبرگان استخراج شد که تعداد آن‌ها ۳۱ عدد بود. برای انتخاب عدم قطعیت‌های نهایی، روش‌های غربالگری مانند آزمون بینم به کار گرفته شد. ابتدا با این آزمون، عوامل با امتیاز کمتر از میانگین حذف شدند. در مرحله بعد، با دو روش عدم قطعیت بحرانی و دیمتل عواملی که در هر دو روش امتیازات لازم را آوردند، به عنوان عدم قطعیت‌های نهایی برای تدوین سناریو در نظر گرفته شدند. به منظور گزینش نهایی، عوامل کلیدی باید در سه شاخص تخصص، اهمیت و اجماع از منظر عدم قطعیت بحرانی و در شاخص خالص اثر از منظر تکنیک دیمتل امتیازات لازم را آورده باشند. در نهایت، بر این دو روش عدم قطعیت‌های نهایی را مشخص خواهد کرد. به دلیل زیادبودن عوامل کلیدی، برای حذف عواملی که اهمیت کمتری دارند، یا از نظر ماهیتی و مفهومی به عوامل دیگر شبیه هستند، پرسشنامه خبره‌سنجی پنج‌گزینه‌ای لیکرت، که شامل ۳۱ پرسش از عوامل مؤثر بر آینده مشاغل مدیریتی بود، طراحی شد. پرسشنامه در اختیار ۲۱ نفر از خبرگان قرار گرفت که همه خبرگان به پرسشنامه جواب دادند. پس از تکمیل پرسشنامه ۲۱ نفر از خبرگان حوزه مدیریت، با نرم‌افزار SPSS و آزمون دوجمله‌ای سطح معناداری برای عوامل محاسبه شد. آزمون دوجمله‌ای آزمونی ناپارامتریک است که در آن بر مبنای یک مقدار یا مشخصه به بررسی موفقیت و شکست پرداخته می‌شود. منظور از موفقیت و شکست، بود یا نبود یک متغیر در جامعه مورد بررسی است. برای سنجش پایایی نتایج آزمون ناپارامتریک ویلکاکسون اجرا شد. پرسشنامه‌ها در دو مرحله توزیع شدند که همبستگی نتایج دو مرحله بالا بود. در سطح معناداری ۵ درصد، نتایج دو مرحله از همبستگی بالایی برخوردار بودند. پس از اجرای آزمون دوجمله‌ای بخشی از عوامل حذف شدند. از میان ۳۱ عامل مستخرج از متون نظری، شش عامل حذف شد. نتایج آزمون دوجمله‌ای در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. عوامل کلیدی غربال‌شده

ردیف	عوامل نهایی غربال‌شده
۱	رشد فناوری اطلاعات
۲	رشد بخش خدمات
۳	رونق یا رکود اقتصادی
۴	تحول بخش خصوصی
۵	کیفیت فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت
۶	سیاست‌های آموزشی در رشته‌های مدیریت
۷	دسترسی به بازارهای بین‌المللی
۸	رشد کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها
۹	سرمایه‌گذاری خارجی
۱۰	ترکیب جمعیتی نیروی کار
۱۱	ضوابط استخدام
۱۲	اندازه دولت
۱۳	تحولات سازمانی
۱۴	ارتباط دانشگاه با صنعت
۱۵	قوانین و سیاست‌های ذی‌نفعان دولتی
۱۶	توسعه مراکز رشد و پارک‌های علم و فن‌آوری
۱۷	تغییرات فرهنگی و اجتماعی
۱۸	تلاش برای حرفه‌ای‌شدن
۱۹	توسعه انجمن‌های تخصصی مربوط به رشته‌ها
۲۰	رشد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط
۲۱	پیچیدگی اقتصادی
۲۲	مزیت‌های رقابتی کشور
۲۳	اهمیت نوآوری
۲۴	توسعه صنعت مشاوره
۲۵	مهارت‌محوری

سپس، درجه تخصص خبرگان درباره پرسش‌های مربوط به هر پیشران کلیدی محاسبه شد. هرچه این عدد به صد نزدیک‌تر باشد، یعنی خبرگان در پاسخ‌دهی به پرسش‌های مربوط به آن عدم قطعیت یا پیشران تخصص بیشتری داشته‌اند. جدول ۲، ده عامل کلیدی که خبرگان در آن‌ها بیشترین تخصص را داشته‌اند، نشان می‌دهد.

جدول ۲. عوامل کلیدی با بیشترین ضریب تخصص

شاخص تخصص مرحله دوم	شاخص تخصص مرحله اول	عامل کلیدی
۸۸,۷۲	۸۷,۶۹	دسترسی به بازارهای بین‌المللی
۸۸,۲۲	۸۷,۲۳	کیفیت فارغ‌التحصیلان رشته‌های مدیریت
۸۷,۴۴	۸۶,۹۲	سیاست‌های آموزشی در رشته‌های مدیریت
۸۶,۶۲	۸۸,۵۱	اندازه دولت
۸۵,۹۱	۸۴,۸۸	تحول بخش خصوصی
۸۵,۲۵	۸۴,۲۲	ترکیب جمعیتی نیروی کار
۸۰,۶۴	۸۱,۷۹	تحولات سازمانی
۸۰,۲۲	۷۹,۲۳	رونق یا رکود اقتصادی
۷۹,۸۵	۸۲,۷۵	رشد فناوری اطلاعات
۷۹,۳۲	۷۹,۵۴	ارتباط دانشگاه با صنعت

در ادامه، با به‌کارگیری تکنیک عدم قطعیت بحرانی، شدت اهمیت هر یک از عوامل کلیدی تأثیرگذار روی آینده مشاغل مدیریتی محاسبه شده است. حالت‌های سیاست‌های آموزشی در رشته مدیریت، دسترسی به بازارهای بین‌المللی، تحول بخش خصوصی، اندازه دولت، رشد فناوری اطلاعات، ترکیب جمعیتی نیروی کار، کیفیت فارغ‌التحصیلان رشته‌های مدیریت، تحولات سازمانی، پیچیدگی اقتصادی، رشد بخش خدمات بیشترین اهمیت دارند. جدول ۳ هم ده عامل کلیدی دارای بیشترین شدت اهمیت را نشان می‌دهد.

جدول ۳. عوامل دارای بیشترین شدت اهمیت

عامل کلیدی	شاخص اهمیت مرحله اول	شاخص اهمیت مرحله دوم
سیاست‌های آموزشی در رشته مدیریت	۷۷,۷۶	۷۸,۲۶
دسترسی به بازارهای بین‌المللی	۷۸,۲۲	۷۷,۹۶
تحول بخش خصوصی	۷۶,۸۷	۷۷,۷۲
اندازه دولت	۷۷,۵۶	۷۷,۳۲
رشد فناوری اطلاعات	۷۶,۹۷	۷۷,۲۱
ترکیب جمعیتی نیروی کار	۷۷,۲۲	۷۶,۲۳
کیفیت فارغ‌التحصیلان رشته‌های مدیریت	۷۵,۲۴	۷۴,۱۲
تحولات سازمانی	۷۴,۵۴	۷۳,۲۳
پیچیدگی اقتصادی	۷۰,۲۰	۶۹,۲۱
رشد بخش خدمات	۶۷,۶۱	۶۶,۹۵

با تحلیل نظر خبرگان مشخص می‌شود در برخی وضعیت‌ها، حالت اول طرفداران بیشتری داشته و در بعضی وضعیت‌ها، حالت دوم حامیان بیشتری دارد. میزان این شاخص در همه این ۲۵ حالت یکسان نیست و بیان‌کننده عدم قطعیت‌های متفاوت هر یک از پرسش‌هاست. شایان ذکر است، هرچه شاخص اجماع به صفر نزدیک‌تر باشد، خبرگان درباره گزاره مورد نظر، دیدگاه‌های متفاوت‌تری دارند و هرچه این شاخص از صفر دورتر باشد، بیان‌کننده آن است که خبرگان در موافقت با وضعیت اول (اگر شاخص مثبت باشد) یا در موافقت با وضعیت دوم (اگر شاخص منفی باشد)، اجماع بیشتری دارند. برای مثال اندازه دولت دو وضعیت دارد، وضعیت اول افزایش اندازه دولت و وضعیت دوم کاهش اندازه دولت. شاخص‌های دسترسی به بازارهای بین‌المللی، سیاست‌های آموزشی در رشته مدیریت، اندازه دولت، ترکیب جمعیتی نیروی کار، تحول بخش خصوصی، رشد فناوری اطلاعات، تحولات سازمانی، کیفیت فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت، پیچیدگی اقتصادی، و سرمایه‌گذاری خارجی مورد استفاده از نظر اجماع بهترین و مناسب‌ترین وضعیت را دارند. در حقیقت این شاخص‌ها در میان خبرگان کمترین اتفاق نظر را دارند و برای

ایجاد سناریوهای آینده صنعت مشاغل مدیریتی بهترین و مناسب‌ترین شاخص‌ها هستند. جدول ۴، شاخص اجماع را برای ده عامل برتر نشان می‌دهد.

جدول ۴. عوامل دارای کم‌ترین اجماع

عامل کلیدی	شاخص اجماع مرحله اول	شاخص اجماع مرحله دوم
دسترسی به بازارهای بین‌المللی	۰٫۱۱-	۰٫۰۹-
سیاست‌های آموزشی در رشته مدیریت	۰٫۱۳-	۰٫۱۱-
اندازه دولت	۰٫۱۵-	۰٫۱۴-
ترکیب جمعیتی نیروی کار	۰٫۱۴-	۰٫۱۷-
تحول بخش خصوصی	۰٫۲۶-	۰٫۲۳-
رشد فناوری اطلاعات	۰٫۳۴-	۰٫۳۱-
تحولات سازمانی	۰٫۴۴-	۰٫۴۶-
کیفیت فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت	۰٫۱۲	۰٫۱۳
پیچیدگی اقتصادی	۰٫۵۴-	۰٫۵۲-
سرمایه‌گذاری خارجی	۰٫۵۶	۰٫۵۸

ده شاخص دسترسی به بازارهای بین‌المللی، کیفیت فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت، سیاست‌های آموزشی در رشته‌های مدیریت، ترکیب جمعیتی نیروی کار، اندازه دولت، تحول بخش خصوصی، رشد فناوری اطلاعات، تحولات سازمانی، سرمایه‌گذاری خارجی، پیچیدگی اقتصادی با در نظر گرفتن سه عامل تخصص، اهمیت و اجماع بیشترین عدم قطعیت را به ترتیب دارند. ده شاخص کلیدی که دارای بیشترین درجه عدم قطعیت از منظر سه شاخص تخصص، اهمیت و اجماع هستند، در جدول ۵ بیان شده است.

در نمونه دوم پاسخ خبرگان بالاترین عدم قطعیت را به ترتیب دسترسی به بازارهای بین‌المللی، سیاست‌های آموزشی در رشته‌های مدیریت، کیفیت فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت، اندازه دولت، ترکیب جمعیتی نیروی کار، تحول بخش خصوصی، رشد فناوری اطلاعات، تحولات سازمانی،

سرمایه‌گذاری خارجی و پیچیدگی اقتصادی به دست آوردند. جدول ۶، ده عامل کلیدی برتر از نظر سه شاخص تخصص، اهمیت و اجماع را نشان می‌دهد.

جدول ۵. ده شاخص منتخب در مرحله اول

عوامل کلیدی	شاخص تخصص	شاخص اهمیت	شاخص اجماع	عدم قطعیت کلی
دسترسی به بازارهای بین‌المللی	۸۷٫۶۹	۷۸٫۲۲	-۰٫۱۱	۱
کیفیت فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت	۸۷٫۲۳	۷۵٫۲۴	۰٫۱۲	۲
سیاست‌های آموزشی در رشته‌های مدیریت	۸۶٫۹۲	۷۷٫۷۶	-۰٫۱۳	۳
ترکیب جمعیتی نیروی کار	۸۴٫۲۲	۷۷٫۲۲	-۰٫۱۴	۴
اندازه دولت	۸۸٫۵۱	۷۷٫۵۶	-۰٫۱۵	۵
تحول بخش خصوصی	۸۴٫۸۸	۷۶٫۸۷	-۰٫۲۶	۶
رشد فناوری اطلاعات	۸۲٫۷۵	۷۶٫۹۷	-۰٫۳۴	۷
تحولات سازمانی	۸۱٫۷۹	۷۴٫۵۴	-۰٫۴۴	۸
سرمایه‌گذاری خارجی	۷۸٫۸۱	۷۲٫۲۸	۰٫۵۶	۹
پیچیدگی اقتصادی	۸۰٫۷۷	۷۰٫۲۰	-۰٫۵۴	۱۰

جدول ۶. ده شاخص منتخب در مرحله دوم

عوامل کلیدی	شاخص تخصص	شاخص اهمیت	شاخص اجماع	عدم قطعیت کلی
دسترسی به بازارهای بین‌المللی	۸۸٫۷۲	۷۷٫۹۶	-۰٫۰۹	۱
سیاست‌های آموزشی در رشته‌های مدیریت	۸۷٫۴۴	۷۸٫۲۶	-۰٫۱۱	۲
کیفیت فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت	۸۸٫۲۲	۷۴٫۱۲	۰٫۱۳	۳
اندازه دولت	۸۶٫۶۲	۷۷٫۳۲	-۰٫۱۴	۴
ترکیب جمعیتی نیروی کار	۸۵٫۲۵	۷۶٫۲۳	-۰٫۱۷	۵
تحول بخش خصوصی	۸۵٫۹۱	۷۷٫۷۲	-۰٫۲۳	۶
رشد فناوری اطلاعات	۷۹٫۸۵	۷۷٫۲۱	-۰٫۳۱	۷
تحولات سازمانی	۸۰٫۶۴	۷۳٫۲۳	-۰٫۴۶	۸
سرمایه‌گذاری خارجی	۷۵٫۶۴	۷۱٫۴۳	۰٫۵۸	۹
پیچیدگی اقتصادی	۷۷٫۶۴	۶۹٫۲۱	-۰٫۵۲	۱۰

در نهایت، با توجه به نتایج مراحل اول و دوم عوامل کلیدی نهایی عبارت‌اند از دسترسی به بازارهای بین‌المللی. سیاست‌های آموزشی در رشته مدیریت، اندازه دولت، ترکیب جمعیتی نیروی کار، تحول بخش خصوصی، رشد فناوری اطلاعات، تحولات سازمانی، سرمایه‌گذاری خارجی و پیچیدگی اقتصادی. پس از مشخص شدن عوامل نهایی کلیدی با تکنیک عدم قطعیت بحرانی، ده عامل مستخرج با به‌کارگیری تکنیک دیمتل از نظر تأثیرگذاری ارزیابی می‌شوند. در واقع، در تحقیق حاضر برای مشخص کردن عوامل نهایی سناریونگاری آینده مشاغل مدیریتی از ترکیب دو تکنیک عدم قطعیت بحرانی و دیمتل استفاده خواهد شد. عوامل نهایی که به عنوان ورودی تکنیک دیمتل برای ارزیابی استفاده خواهند شد در جدول ۷ بیان شده‌اند.

جدول ۷. عوامل کلیدی مستخرج از عدم قطعیت بحرانی

رتبه	عوامل کلیدی مستخرج از غربال تکنیک عدم قطعیت بحرانی
۱	دسترسی به بازارهای بین‌المللی
۲	سیاست‌های آموزشی در رشته‌های مدیریت
۳	کیفیت فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت
۴	اندازه دولت
۵	ترکیب جمعیتی نیروی کار
۶	تحول بخش خصوصی
۷	رشد فناوری اطلاعات
۸	تحولات سازمانی
۹	سرمایه‌گذاری خارجی
۱۰	پیچیدگی اقتصادی

با توجه به شاخص‌های اجماع و اهمیت، به نظر می‌رسد برای تدوین سناریوهای پیش روی مشاغل مدیریتی باید از دو حالت «دسترسی به بازارهای بین‌المللی در برابر عدم دسترسی به بازارهای بین‌المللی» و «سیاست‌های آموزشی تقاضامحور در مقابل سیاست‌های آموزشی برنامه‌ریزی‌شده» انتخاب شوند. همچنین، برای افزایش اعتبار سناریوهای استخراجی، رویکرد

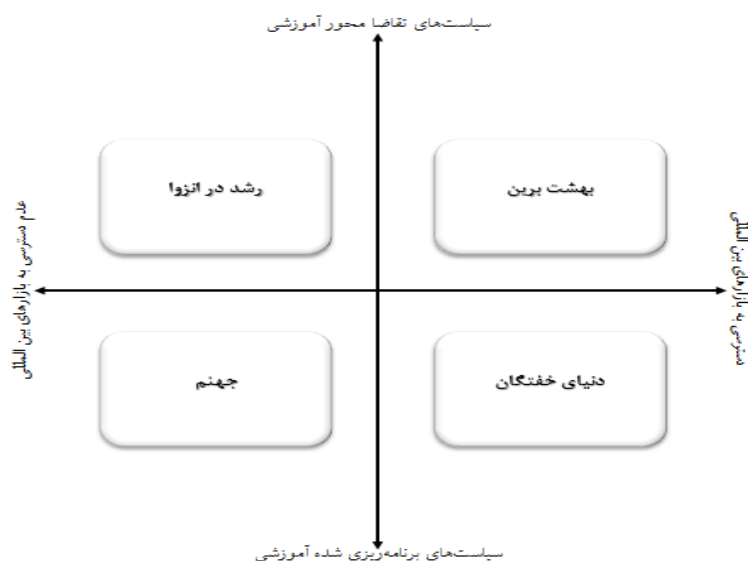
دیمتل برای سنجش تأثیرات متقابل عوامل به‌کار گرفته شد. روش دیمتل رویکردی نرم برای استخراج روابط میان متغیرهاست. هرچه عاملی دارای درجه تأثیرگذاری بالاتری باشد، برای انتخاب به عنوان مبنای سناریونویسی بهتر است. روش دیمتل برای اولین بار در مرکز تحقیقات ژنو^۱ معرفی شد. این روش در آن زمان برای حل مسائل پیچیده‌ای نظیر مسائل قحطی، انرژی، حفاظت از محیط زیست و... به‌کار گرفته شد (Wang, 2007). روش دیمتل یکی از ابزارهای تصمیم‌گیری چندمعیاره بر مبنای نظریه گراف است که ما را قادر می‌کند مسائل را برنامه‌ریزی و حل کنیم. به‌طوری که ممکن است برای درک بهتر روابط علی، نقشه روابط شبکه‌ای چندین معیار را در گروه علت/ معلول ترسیم کنیم. براساس خروجی‌های جدول ۸، شاخص‌های دسترسی به بازارهای بین‌المللی و سیاست‌های آموزشی در رشته‌های مدیریت کیفیت فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت، زیرا خالص اثر برای آن‌ها از همه شاخص‌های دیگر بیشتر است.

جدول ۸. جدول خالص اثر شاخص‌ها

معیار	$D_i + R_i$	$D_i - R_i$
دسترسى به بازارهای بین‌المللی	۱۹,۵۴۳	۰,۵۸۷
سیاست‌های آموزشی در رشته‌های مدیریت	۱۸,۷۴۲	۰,۴۲۱
کیفیت فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت	۱۷,۹۴	۰,۳۱۱

با توجه به شاخص‌های اجماع و اهمیت، به نظر می‌رسد برای تدوین سناریوهای پیش روی مشاغل مدیریتی باید از دو حالت «دسترسى به بازارهای بین‌المللی در مقابل عدم دسترسى به بازارهای بین‌المللی» و «سیاست‌های تقاضامحور آموزشی در مقابل سیاست‌های برنامه‌ریزی شده آموزشی» انتخاب شوند. با توجه به این دو عدم قطعیت، می‌توان چهار سناریوی مختلف برای آینده مشاغل مدیریتی در کشور، تدوین کرد. در ادامه، به هر یک از سناریوها توضیح و تبیین می‌شود. این چهار سناریو در شکل ۱ با توجه به دو عدم قطعیت یادشده به صورت بصری نمایش

داده شده است. براساس این دو عامل کلیدی، چهار سناریوی باورپذیر با نام‌های بهشت برین، رشد در انزوا، جهنم و دنیای خفتگان، و جهنم شناسایی شدند.



شکل ۱. سناریوهای باورپذیر پیش روی مشاغل مدیریتی

تدوین سناریوهای باورپذیر

با توجه به دو عامل کلیدی دسترسی به بازارهای بین‌المللی و سیاست‌های آموزشی چهار سناریوی بهشت برین، رشد در انزوا، دنیای خفتگان و جهنم معرفی می‌شوند.

۱. سناریوی بهشت برین: این سناریو محل تلاقی دو محور سیاست‌های تقاضا محور آموزشی و دسترسی به بازارهای بین‌المللی است. در شرایط فعلی معمولاً توسعه رشته‌های دانشگاهی مربوط به مدیریت با توجه به سیاست‌های ابلاغی وزارت علوم انجام می‌گیرد. معمولاً دانشگاه‌ها با توجه به تعداد هیئت علمی پیشینه ارائه رشته و نفوذی که در سیستم دارند، دانشجو جذب می‌کنند. در این آینده به جای جذب دانشجو بر مبنای سیاست‌های ابلاغی عواملی چون مزیت رقابتی منطقه و نیازهای صنعت در آن ناحیه ملاک عمل قرار می‌گیرد. به همین دلیل، حمایت مالی

صنعت از دانشگاه و ظرفیت استادان برای جذب این کمک‌های مالی نقشی مهم در جذب دانشجوی دارد. برای مثال، اگر در منطقه‌ای مزیت رقابتی گردشگری مذهبی باشد، احتمالاً رشته‌هایی مانند مدیریت جهانگردی، مدیریت هتل‌داری و مدیریت بازرگانی بین‌المللی توسعه خواهد یافت. همچنین، با دسترسی به بازارهای بین‌المللی دانش مدیریتی نوین مبتنی بر مهارت در صنعت و دانشگاه‌ها حضور چشمگیر خواهد داشت. با رشد فناوری اطلاعات و گسترش بخش خدمات، شرکت‌های دانش‌بنیان نقشی مهم در تولید ناخالص ملی کشور ایفا خواهد کرد. رشد کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و بهبود فضای کسب‌وکار لزوم رشد مهارت‌های مدیریتی در زمینه‌های مختلفی مثل جذب سرمایه، ارزیابی طرح‌های اقتصادی، طراحی خدمات، کارآفرینی، خدمات مالی و بازاریابی بیش از پیش مورد توجه خواهد بود. مهم‌ترین ویژگی بازار کار رشته‌های مدیریت در این آینده مهارت‌محوری به‌جای تأکید بر دانش است. در بخش آموزش، تأکید بر دوره‌های کوتاه‌مدت کاربردی به‌جای دوره‌های بلندمدت دانش خواهد بود. همچنین، تسلط بر زبان‌های خارجی مانند چینی، روسی، انگلیسی و عربی برای موفقیت در بازار کار کیفیتی کلیدی است. در شرایط فعلی، کاربران مدیریتی معمولاً دانش گسترده و پراکنده‌ای در حوزه‌های مختلف دارند، اما در این آینده توجه به تخصص و جلوگیری از پراکندگی اهمیت دارد. به‌طور خلاصه، تأکید بر مهارت‌محوری، آموزش‌های کوتاه‌مدت کاربردی، تمرکز بر آموزش‌های تخصصی، بازارمحور بودن، تغییرات سریع و تأکید بر مهارت‌های کارآفرینی، بازاریابی، مالی و طراحی خدمت از مهم‌ترین ویژگی‌های مشاغل در این سناریو است. به دلیل کوچک شدن دولت و گسترش بخش خصوصی و ارتباط آن با بازارهای بین‌المللی مهارت‌های عملی مدیریتی به همراه آموزش مداوم رمز موفقیت در این سناریو است. توجه به نیازهای صنعت و ارتباط نزدیک با آن و ارتباط و همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی دنیا و به‌طور خلاصه، توجه به بحث بین‌المللی‌سازی یک شاخص مهم در تشخیص این آینده است.

۲. سناریوی رشد در انزو: در این سناریو دانشگاه‌ها سعی می‌کنند توسعه رشته‌های خود را بر مبنای نیازهای بازار توسعه دهند. اما عدم ارتباط با بازارهای بین‌المللی و فضای کسب‌وکار

نامناسب مانعی جدی برای تحقق اهداف در این سناریو است. به همین دلیل، دانشگاه‌ها تلاش می‌کنند ارتباط خوبی با صنعت داشته باشند و توسعه رشته‌ها و پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی خود را به این سمت سوق دهند. بنابراین، توجه به مهارت‌های مورد نیاز بازار و برنامه آمایش سرزمین برای دانشگاه‌ها اهمیت دارد. ولی به دلیل نبود سرمایه‌گذاری خارجی و عدم فضای مناسب برای بخش خصوصی باعث می‌شود بخش دولتی همچنان نقش عمده‌ای در شکل‌دهی به بازار رشته‌ها و مشاغل مدیریتی باشد. بنابراین، بسیاری از کاربران خود را برای الزامات این بخش آماده می‌کنند. در این سناریو بازار مشاوره مدیریت و کارآفرینی به اندازه سناریو بهشت برین فعال نیست. هرچند به دلیل ارتباط دانشگاه با صنعت مشاغل مدیریتی در این سناریو پویاتر می‌شوند، به دلیل تحریم‌های خارجی و عدم ارتباط با سازمان‌ها و شرکت‌های بین‌المللی دانش روز مدیریت در حوزه‌هایی مانند کارآفرینی، مدیریت نوآوری، مدیریت زنجیره تأمین، برنامه‌ریزی راهبردی، مدیریت تولید و عملیات به صنعت تزریق نخواهد شد. بنابراین، کاربران این رشته صرفاً افرادی بهره‌ور برای صنایع داخلی بوده و نمی‌توانند ارتباط سازنده‌ای با بازارهای بین‌المللی داشته باشند. تأکید و توجه مراکز آموزش عالی و سیاست‌گذاران آموزشی روی مشکلات و نیازهای صنایع داخلی با تأکید بر توانمندی‌های داخلی شاخصی مهم برای تشخیص این سناریو است.

۳. سناریوی دنیای خفتگان: در این سناریو دسترسی به بازارهای بین‌المللی و رفع تحریم‌های خارجی شرایط مناسبی برای حضور شرکت‌های بین‌المللی در ایران فراهم خواهد کرد. حضور این شرکت‌ها و دسترسی ایران به بازارهای خارجی باعث خواهد شد فضای مناسبی برای انتقال تکنولوژی و دانش مدیریتی به کشور فراهم شود. اما به دلیل سیاست متمرکز آموزشی در وزارت علوم و نهادهای ذی‌ربط و بی‌توجهی به مقتضیات بازار کار، دانشگاه راه خود را بی‌توجه به صنعت خواهد پیمود و نتیجه طیف وسیعی از فارغ‌التحصیلان مدیریتی با دانشی پراکنده و گسترده در حوزه‌های مختلف خواهد بود. رفع تحریم‌ها و دسترسی به بازارهای بین‌المللی به‌جای آنکه باعث شکوفایی صنعت شود، بازار واردات را رونق می‌بخشد و درآمدهای دولتی را بیشتر خواهد کرد. افزایش درآمدهای دولتی، دولت را تشویق خواهد کرد، بیشتر هزینه‌های خود را بیشتر کند. در این

صورت، عموماً کاربران مدیریتی تمایل دارند در بخش دولتی مشغول به کار شوند. به دلیل عدم پویایی بخش دولتی، کاربران تلاش می‌کنند در امور اداری و مدیریت فرایندهای جاری تمرکز کنند. بنابراین، در چنین سناریویی تحول خاصی در مشاغل مدیریتی رخ نخواهد داد. ورود افراد به دولت در درازمدت توانمندی‌های آن‌ها را کاسته و کاربران تلاشی برای ارتقای مهارت‌های عملی خود نخواهند کرد. دانش‌محوری، پراکندگی معلومات، تمرکز بر فرایندهای اداری، اینرسی در ارتقای قابلیت‌ها و نبود مهارت‌های کافی در حوزه کارآفرینی بازرگانی بین‌الملل و بازاریابی از مهم‌ترین ویژگی‌های مشاغل مدیریتی در این سناریو است. ارتباطات بدون برنامه و جهت‌گیری در راستای ارتباطات بین‌المللی بی‌توجه به یک برنامه مشخص و نبود هماهنگی و همراستایی میان مراکز مختلف آموزش عالی هم یک نشانگر مهم برای این سناریو است.

۴. **سناریوی جهنم:** این سناریو بدترین وضعیت است که ممکن است برای بازار مشاغل مدیریتی رخ دهد. عدم دسترسی به بازارهای بین‌المللی و سیاست‌های آموزشی متمرکز باعث خواهد شد، دانشگاه مانند یک سیستم ایزوله راهی جدا از بازار جهانی و صنعت طی کند. در این سناریو از آنجا که رشته‌های مدیریت بی‌توجه به بازار رشد می‌یابد، با خیل وسیع بیکاران و افراد فاقد مهارت مواجهیم، که ممکن است در مشاغلی بی‌ارتباط با تخصص خود مشغول به کار شوند. همچنین، بازار کار مدیریت بسته و محدود خواهد بود و به سازمان‌های دولتی و خصوصی خلاصه می‌شود. در چنین شرایطی در هر منطقه رشته‌های مدیریتی بی‌توجه به مزیت رقابتی آن منطقه رشد خواهد کرد. به همین دلیل، در بسیاری از استان‌ها با مهاجرت فارغ‌التحصیلان مدیریتی به شهرهای بزرگ، حتی خارج از کشور مواجه خواهیم بود. کسب‌وکارها تمایلی به به‌کارگیری دانش مدیریتی نداشته و تجربه و روش‌های سنتی در دستور کار خواهد بود. به دلیل فضای نامناسب کسب‌وکار، کسب‌وکارهای دانش‌بنیان پیشرفتی نداشته و مشاغل مدیریتی به‌جای تأکید بر مهارت‌های کارآفرینی، توسعه محصول و بازاریابی، بر فرایندهای تکراری اداری و مدیریتی تمرکز خواهند کرد. ضوابط استخدام به‌جای مهارت‌های عملی، بر مدرک دانشگاهی گاه‌ا نامرتب تأکید می‌شود. همچنین، بسیاری افراد با تحصیلات و تخصص‌های نامرتب در این حوزه مشغول به فعالیت

خواهند بود. به دلیل نداشتن ارتباط با بازارها و شرکت‌های بین‌المللی دانش روز مدیریتی انتقال نخواهد یافت. ادامه وضع موجود و سیاست‌گذاری آموزشی از بالا بی‌توجه به تغییرات بین‌المللی، نیازهای بازار کار و توجه به بحث مهارت‌افزایی هم یک شاخص راهنما برای این سناریو است.

نتیجه‌گیری

سناریوهای پژوهش حاضر عبارت‌اند از سناریوی بهشت برین، سناریوی رشد در انزوا، سناریوی دنیای خفتگان و سناریوی جهنم. سناریوی بهشت برین، مطلوب‌ترین سناریو برای وقوع است. این سناریو از محل تلاقی دو عامل سیاست‌های تقاضامحور آموزشی و دسترسی به بازارهای بین‌المللی به دست می‌آید. مشخصه بارز این سناریو توجه به نیازهای بازار برای سیاست‌گذاری در توسعه رشته‌های مدیریتی و به‌کارگیری دانش روز مدیریتی در شکل‌گیری و مدیریت فرایندهای کسب‌وکار است. در سناریوی رشد در انزوا دانشگاه‌ها و نهادهای سیاست‌گذار به اهمیت توجه به نیازها و الزامات صنعت و مهارت‌محوری در توسعه رشته‌های خود پی برده‌اند، اما فضای بسته کسب‌وکار کشور و نداشتن ارتباط با شرکت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی تحقق این هدف را با چالش‌های بسیاری مواجه می‌کند. در سناریوی دنیای خفتگان، با وجود فرصت‌های عالی برای توسعه کسب‌وکارها و مشاغل مدیریتی به دلیل بی‌توجهی سیاست‌گذاران آموزشی با چالش عدم همخوانی نیازهای بازار با نهاد آموزش مواجه خواهیم بود. در نهایت، در سناریوی جهنم که بدبینانه‌ترین سناریو برای آینده مشاغل مدیریتی است، وضع موجود به شکل بدتری ادامه خواهد یافت.

منابع و مأخذ

۱. حسن‌نژاد، امیرحسین، و ملکی، محمدحسن (۱۳۹۴). شناسایی سناریوهای باورپذیر صنعت نساجی. *آینده‌پژوهی مدیریت*، ۲۶(۱۰۴)، ۶۴-۵۳.
۲. فاتح‌راد، مهدی، جلیلونند، محمدرضا، و نصرالاهی وسطی، لیلا (۱۳۹۲). درآمدی بر مبنای معرفت‌شناسی و روش‌شناسی آینده‌پژوهی. *مطالعات آینده‌پژوهی*، ۲(۸)، ۵۲-۵۲.
۳. فتحی، محمدرضا، ملکی، محمدحسن، و رضوانی اصل، وحید (۱۳۹۶). آینده‌نگاری سرمایه‌گذاری در صنعت مسکن ایران با به‌کارگیری رویکرد سناریونویسی و ماتریس تأثیرات متقاطع. *آینده‌پژوهی مدیریت*، ۲۸(۱۱۱)، ۲۶-۱۱.
۴. ملکی، محمدحسن، و فتحی، محمدرضا (۱۳۹۵). آینده‌نگاری مدل‌های تصمیم‌کسب‌وکار با رویکرد سناریونویسی. *آینده‌پژوهی مدیریت*، ۲۸(۱۰۸)، ۵۰-۳۳.
۵. ناظمی، مسلم (۱۳۹۲). بررسی سیاست‌گذاری عمومی برای آینده جمعیت ایران. دومین همایش ملی آینده‌پژوهی، تهران.
۶. یوسفی، ام‌البنین، و کلیوند عبداللهی، امین (۱۳۹۲). دورنمای صنعت خودروی ایران در گذر چالش‌های جهانی (آینده‌پژوهی با رویکرد سناریوپردازی). دومین همایش ملی آینده‌پژوهی، تهران.
7. Bradfielda, R., & El-Sayedb, H. (2009). Four scenarios for the future of the pharmaceutical industry. *Technology Analysis & Strategic Management*, 2(2), 195-212.
8. Hwang, C. L., & Yoon, K. (1981). Multiple attribute decision making: Methods and applications. New York: Springer-Verlag.
9. Masood, M., & Takeuchi, U. (2016). Climate change impact on the manageability of floods and droughts of the Ganges-Brahmaputra-Meghna basins using flood duration curves and drought duration curves. *Disaster Research*, 10(5), 991-1000.
10. Omar, M., & Moussa, A. (2016). Water management in Egypt for facing the future challenges. *Advanced Research*, 7(3), 403-412.
11. Schwartz, P. (1996). *The art of the long view: Planning for the future in an uncertain world*. United States of America: Crown Business, Dell Publishing Group.
12. Slaughter, R. A. (2014). *Knowledge base of futures studies*. Australia: The Futures Study Centre.

13. Stone, D. L., & Deadrick, D. L. (2015). Challenges and opportunities affecting the future of human resource management. *Human Resource Management Review*, 25(2), 139-145.
14. Sumrit, D., & Anuntavoranich, P. (2013). Using DEMATEL method to analyze the causal relations on technological innovation capability evaluation factors in Thai technology-based firms, international transaction journal of engineering. *Management, & Applied Sciences & Technologies*, 4(2), 81-103.
15. Wysokińska, Z., Koszewska, M., Czajkowski, T., & Malinowska-Olszowy M. (2013). Future of the Polish Textile Industrial sector. An Overall Analysis of the Empirical Research Performed with the Delphi Method within the Project Foresight 'Modern Technologies for the Textile Industry. A Chance for Poland. *Fibers & Textiles in Eastern Europe*, 4(100), 10-15.